

عروس قزاق

نگاهی به پوشاک عروس و نمادهای گذار در میان قزاقان ایران^۱

فریده مجیدی خامنه: عضو هیئت علمی پژوهشکده مردم‌شناسی
سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی*

(تاریخ دریافت ۸۵/۱۲/۱، تاریخ تأیید ۸۷/۷/۲۷)

چکیده

قزاق‌ها گروه فومی هستند که تا سالیانی بعد از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به زندگی کوچ‌روی خود ادامه می‌دادند. موقعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن‌ها بعد از انقلاب روسیه تغییر یافت. تعدادی از آن‌ها تحت فشار مصایب فرهنگی، دینی، طبیعی مانند گرسنگی، مشکلات اقتصادی به کشورهای همسایه مانند ایران مهاجرت کردند. اکثر قزاقان ایران در گنبد کاووس، گرگان و بندر ترکمن زندگی می‌کنند. آن‌ها درون گروه هستند و در اکثر موارد در میان خود ازدواج می‌کنند.

در این بررسی به مطالعه پوشاک زنان و مردان در مرحله ازدواج پرداخته می‌شود. ازدواج به عنوان مناسک گذار راهی است که از طریق آن شخصی از یک مرحله زندگی به مرحله دیگر

۱. در سال‌های مختلف در منطقه مازندران و گلستان تحقیقات مردم‌شناسی ارزشمندی درباره پوشاک و زندگی قزاقان ایران انجام گرفته که دستمایه تحقیق حاضر گذشته است و نگارنده با استفاده از این اطلاعات، به تحلیل نمادهای گذار در پوشاک قزاقان ایران پرداخته است. این گزارش‌های مردم‌شناسی شامل: الف. کریم‌آبادی، زهرا، (۱۳۷۵): پوشاک مازندران، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی ب. حسین‌زاده، فهیمه، (۱۳۷۳): مردم‌شناسی قزاقان ایران، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی ج. حسینی، حمیدرضا، (۱۳۸۱): مردم‌نگاری شهرستان ترکمن، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی است.

F_Madjidi@yahoo.com

* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۳۱۷۵۹۲۶

حرکت کرده و در این مسیر به هدف خاصی در زندگی مشترک می‌رسد که در چهارچوب زبانی یا قدرت‌های سازمانی و بر پایه اعتقاد به قدرت‌های مقدس قرار می‌گیرد. در این موقعیت استفاده از البسه و زیورها به عنوان نمادهای مناسک گذار، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند. در این جا بخش‌های مختلف پوشاک مردان و زنان معرفی می‌گردند نقش آن‌ها در سه مرحله پیش‌گذار، مرحله گذار، پس‌گذار بررسی می‌گردند. علاوه بر این به مطالعه تغییراتی که بعد از انقلاب در پوشاک فزاقان و در طی اقامت در ایران و عوامل مؤثر بر این امر می‌پردازیم. واژگان کلیدی: فزاق، مناسک گذار، پوشاک عروس، نمادهای گذار.

مقدمه

مناسک گذار^۱ اصطلاحی است که برای اولین بار در ۱۹۰۹ توسط آرنولد وان گنپ^۲ مردم‌شناس بلژیکی ساخته شد و عمومیت یافت. این مناسک به باور او در لحظه‌های حساس زندگی انسان که گذار از یک وضعیت به وضعیت دیگر انجام می‌گیرد، به منظور تثبیت آن صورت می‌پذیرد. از این رو این مراحل را «بحران‌های زندگی»^۳ نیز نامیده‌اند. این مناسک مختص دفع خطرات مافوق طبیعی از شخص یا کل جامعه است که حالت معلقی را بین حالت پیشین و حالت جدید آن به وجود خواهد آورد. تغییر موقعیت‌هایی هم‌چون تولد، ازدواج، مرگ و... چنان در زندگی انسان مهم بوده‌اند که اشکال مناسک ویژه‌ای را به وجود آورده‌اند.

وان گنپ در مناسک گذار سه مرحله قابل تفکیک را مشاهده می‌کرد: ۱. مرحله گسست^۴ یا «پیش‌گذار»^۵ که لحظه تفکیک با وضعیت یا زندگی پیشین است. در این مرحله فرد از موقعیت یا وضعیت قبلی خود جدا می‌شود.

۲. مرحله «گذار»^۶ یعنی مرحله‌ای که فرد از حالت قبلی جدا شده اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است، این لحظه که به آن لحظه «حاشیه»^۷ نیز می‌گویند به قسمت میانه که پر از خطرات است، ارتباط می‌یابد.

۳. مرحله «پیوند دوباره»^۸ یا «پس‌گذار»^۹ که به آن «لحظه تجمع»^{۱۰} هم می‌گویند، مرحله‌ای است که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت تازه یا ثانوی خود وارد شده و در آن پذیرفته شده است و با پایگاهی جدید دوباره در اجتماع جای می‌گیرد (فکوهی، ۱۳۸۲: ۲۴۱ و پانوف، ۱۳۶۸: ۲۸۹).

1. Rites of Passage

3. Life crisis

5. Pre liminal

7. Merge

9. Postliminal

2. Arnold Van Genep

4. Separation

6. Passage

8. Incorporation

10. Aggregation

در این مرحله افراد از سوی آموزگاران خویش نسبت به قواعد و مقررات پایگاه یا جایگاه جدیدی که یافته‌اند، آگاهی می‌یابند. تغییر جایگاه این افراد در طی جشن رسمی و با اعطای نام جدید، جامگان یا زیورآلاتی تازه، نشانه‌های کالبدی نظیر ختنه، حجامت (در زمان تولد) و گاه با زبان جدید که خاص رازآموخته‌گان است انجام می‌گیرد. رازآموزی نشانه‌تغییری به یاد ماندنی در زندگی فرد است و مستلزم وفاداری او به قواعد جامعه‌ای است که رازآموزان وارد آن می‌شوند.^۱

ازدواج به عنوان یکی از مناسک گذر از یک پایگاه به پایگاهی جدید برای دست یافتن به اهدافی مشخص در یک زندگی مشترک به صورت کلامی یا با حرکات و موقعیت کالبدی بسیار نمادین و با تکیه بر اعتقاد به قدرت عمل موجودات یا نیروهای قدسی انجام می‌گیرد و در این میان استفاده از جامگان و زیورآلات جدید به عنوان نمادهایی از این منسک گذر، نقش ویژه‌ای ایفا می‌کنند.

مقاله حاضر به نقش پوشاک به عنوان نمادهای گذار در منسک ازدواج در میان قزاقان ایران می‌پردازد و ضمن معرفی بخش‌های مختلف لباس در میان زنان و مردان قزاق به بررسی نقش آن‌ها در سه مرحله ۱. گسست یا پیش‌گذار ۲. گذار ۳. پیوند دوباره یا پساگذار می‌پردازد. در ابتدا تاریخچه کوتاهی از قزاقان، چگونگی ورود آنان به ایران و زندگی کنونی ایشان آورده می‌شود.

تبار قزاقان ایران

قزاقان ایران همه متعلق به تبار آدای و از منطقه منقشلاق هستند. خان‌نشین قزاق در سال ۱۴۵۹ میلادی و در نتیجه تحولات قومی و اقتصادی پس از حمله مغول به دشت قبیچاق در سال‌های ۱۲۲۳-۲۷ پدید آمد. در این میان استپ قبیچاق تحت سلطه قبایل مختلفی قرار داشت و گرچه گاه این قبایل با یکدیگر متحد می‌شدند ولی اتحاد واقعی پس از حمله مغول و به دست آن قوم پدید آمد. حکام این سرزمین‌ها تحت انقیاد مغول قرار گرفتند و تطور تاریخی، آنان را تبدیل به اقوام مختلفی از جمله تاتارها، قزاق‌ها و ازبک‌ها نمود. (فصلنامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز).

اختلاط ترکانی که در حوالی قرن هشتم به ماورالنهر آمده بودند و مغولانی که در قرن سیزدهم به این ناحیه رسیدند، قوم قزاق را به وجود آورد، به طوری که در اواخر قرن سیزدهم

۱. نک به: ریویر، کلود، (۱۳۷۹).

میلادی دسته‌هایی از طوایف ترک به رهبری دو شاهزاده مغولی الاصل از تابعیت سلطان ابوسعید ابوالخیر از یکی خارج شدند و در نتیجه سال‌ها جنگ و مبارزه سرزمینی به وسعت قزاقستان را قلمرو خود ساختند. در قومیت قزاق‌ها دو رگه اصلی از سکاها و آرگین‌ها وجود دارد و قبیچاق‌ها اخلاف و یا بازماندگان مستقیم سکاها هستند. (ندیمی)

واژه قزاق

کلمه قزاق در اواخر قرن پانزدهم باب شد و در قرن شانزدهم رونق گرفت. عده‌ای معتقدند ریشه این کلمه، عبارت ترکی «گن» به معنی سرگردان بودن، همیشه در حال گردش بودن است، زیرا این قوم همواره در سراسر استپ‌های محل سکنی‌شان سرگردان بودند و جایی مستقر نمی‌شدند. عده‌ای نیز معتقدند قزاق ترکیب نام دو قبیله مهم این قوم به نام‌های «کاسپی» و «ساکی» است که به شکل کاساکی، کازاکی، کازاخی و در نهایت قزاق درآمدند.

برخی دیگر نیز معتقدند نام قزاق از کلمه مغولی «خازاک» که وسیله حمل و نقل آن قوم بوده گرفته شده است. جدیدترین توضیح برای این کلمه در قرن ۱۹ باب شده و ترکیب دو کلمه «قاز» به معنای غاز و «آق» به معنای سفید است که اشاره به افسانه قدیمی و مستند قزاقی دارد که براساس آن غاز سفید استپ‌هایی که بعدها محل اقامت قزاق‌ها شد به یک شاهزاده تبدیل گردید و از این شاهزاده، نخستین قزاق به وجود آمد.

قزاق در زبان ترکی به معنای شوهر یا مرد با ضابطه و با جریزه‌ای است که نسبت به همسرش برتری و حاکمیت دارد ولی در فرهنگ دهخدا نام قزاق در زبان ترکی به معنای بی‌خانمان، حادثه‌جو و طاعی آمده است. از این‌که اسم قزاق از کجا آمده و چگونه داده شده است، این ابیات روشن‌گر آن است.

رتال جامع علوم انسانی

آن بار ما قزاق نامیده شدیم که

در سنن قدیم عادتی در میان ترک‌ها است که

خون تمییز را با شیر آمیخته و می‌نوشند.

و به این سان هم سوگند می‌شوند.

مجلس به پا شد، نام قزاق برگزیدند،

عهد بسته، آمیخته به خون برادر شدند.

ایل تقسیم شده، آزاده سفر می‌کند و منزل می‌گزیند

این است معنای کلام قزاق که گفته‌اند. (فروزان‌فر: ۱۳۶۲)

ورود قزاق‌ها به ایران

قزاق‌ها به‌طور عمومی قومی کوچنده بوده‌اند که حتی تا مدتی پس از انقلاب ۱۹۱۷ روسیه به زندگی چادرنشینی خویش ادامه دادند. به دنبال انضمام زیست‌گاه قزاق به روسیه و ارتباط با تمدن غرب و بالأخره انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، وضع اقتصادی، اجتماعی و سیاسی این قوم را دگرگون کرد. ناسازگاری فرهنگی، مذهبی، وقوع مصائب طبیعی از قبیل قحطی و مشکلات اقتصادی روی هم رفته تحمل این شرایط را برای بسیاری از قزاق‌ها مشکل نمود. به‌طوری که دسته‌هایی از آنان به ممالک مجاور و اقصی نقاط جهان مهاجرت نمودند. شمار قزاق‌ها در طی سال‌های قرن بیستم حدود یک میلیون و دویست هزار نفر در چین، یک میلیون نفر در ازبکستان، هشتصد هزار نفر در روسیه، شصت هزار نفر در ترکمنستان، سی هزار نفر در قرقیزستان، بیست هزار نفر در ترکیه، ده هزار نفر در افغانستان، هشت هزار نفر در ایران است و شمار دیگری در کشورهای مختلف از جمله آلمان، فرانسه، اتریش و... زندگی می‌کنند.



مسکن قزاقان و تزئینات داخل آن

قزاق‌های ایران که در حال حاضر به‌طور عمده در گنبد قابوس، گرگان و بندر ترکمن ساکن‌اند در حدود دو هزار خانواده بوده‌اند که طی مهاجرت عمومی از مرکز ترکمنستان وارد ایران شده و در شهرهای مذکور اقامت گزیدند (ندیمی: همان).

قزاق‌های بندر ترکمن در فاصله‌های سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۵ به ایران وارد شده‌اند. این عده ابتدا در روستای سلاح (بصیرآباد) و پس از آن در روستای قره سو سکونت داشته و به مرور زمان به شهر بندر ترکمن انتقال یافته و در دو محل «قزاق محله شمالی» و «قزاق محله جنوبی» سکونت یافته‌اند.

مشاغل قزاق‌ها

قزاق‌ها در مشاغل مختلفی چون صیادی، حمل بار، امور صنعتی، جوشکاری و کارمندی (معلمی) مشغول می‌باشند.

مذهب قزاق‌ها

قزاق‌ها دارای مذهب تسنن حنفی هستند.

همسرگزینی قزاق‌ها

قزاق‌ها را می‌توان بسته‌ترین گروه قومی به لحاظ همسرگزینی دانست. قزاق‌ها تنها در بین خودشان ازدواج غیرفامیلی (سببی) داشته و به دلیل مسائل ژنتیکی از ازدواج فامیلی پرهیز می‌کنند. قزاق‌های شهرهای گرگان، گنبد و بندر ترکمن با یکدیگر به لحاظ همسرگزینی ارتباط دارند. در چند دهه قبل که مهاجرین قزاق تازه به شهر وارد شده بودند به لحاظ کمی تعداد دختران قزاق، به ناچار دختران فارس و ترکمن را به همسری برگزیدند. فرزندان این مادران امروزه در بین قزاق‌ها دورگه شناخته شده و قزاق‌های اصیل از ازدواج با آن‌ها ممانعت می‌ورزند، به این لحاظ دختران و پسران دورگه که پدرشان قزاق و مادرشان فارس یا ترکمن می‌باشند، غالب اوقات با یکدیگر ازدواج می‌کنند (حسنی، ۱۳۸۱: ۵۵).

پوشاک در مرحله پیش‌گذار ازدواج

دختران قزاق پیش از ازدواج از نوعی عرق‌چین استفاده می‌کردند. این کلاه را «تلیک»^۱ می‌نامیدند. جنس آن از مخمل به رنگ قرمز با الگوی استوانه‌ای کوتاه دوخته می‌شد و برای

1. telpek

تزیین آن، روی کلاه سوزن‌دوزی می‌کردند. درون آن آسترکشی می‌شد و از تزیینات آن، قبه‌ای نقره‌ای با آویزه‌هایی از همین جنس بود که از بالای کلاه می‌آویختند. این کلاه تا دو دههٔ پیش در میان دختران قزاق رایج بود ولی امروزه جای خود را به روسری‌های رنگی داده است. دختران قزاق همواره روسری را بر سر دارند و به‌خصوص نزد بزرگ‌ترها و مهمانان این مورد را رعایت می‌کنند. در گذشته «تلیک» نقش پوشش سر را ایفا می‌کرد و امروزه روسری این کارکرد را دارد و مهم این است که سر و موها از دید دیگران پنهان بماند (کریم‌آبادی، ۱۳۷۵ و حسین‌زاده، ۱۳۷۳).

در میان پسران جوان نیز استفاده از تلیک رایج بود و برای تزیین آن قسمت فوقانی عرق‌چین را با نقوش گل و گیاه سوزن‌دوزی می‌کردند. این عرق‌چین را هنگام خواندن نماز نیز بر سر می‌گذارند (حسینی، ۱۳۸۱: ۱۲۵-۱۲۶).

در فرهنگ نمادها، سر به‌طور عمده نمایندهٔ فعالیت اصل فعال است و شامل نیروی حکومت‌کردن، فرمان‌دادن و توضیح‌دادن است. از سویی، سر نماد روح متجلی است، در قیاس با تن، که تجلی ماده است.^۱ همچنین در هر شرایط و وضعیتی، ظاهر موها، چهار نوع اطلاعات در اختیار ما می‌گذارد: اطلاعاتی دربارهٔ جنسیت، وضعیت (سن، نسل، مرتبه، تعلق قومی یا مذهبی...)، ارتباط با نظام و هنجارهای موجود، و نیز در خصوص گرایش‌های زیبایی‌شناختی (برومبرژه، ۱۳۸۶: ۲۶). پولس مقدس، نامه‌ای به اهالی کورن می‌نویسد و در آن به تأکید به پیروان خود می‌گوید که به هیچ عنوان در هنگام نیایش یا موعظه سر خود را نپوشانند در غیر این صورت به رهبر خود توهین کرده‌اند. در حالی که در ادیان دیگری مانند یهود و در نزد رومیان عبادت یا سر پوشیده صورت می‌گیرد (همان: ۲۴). استفاده از تلیک می‌تواند بیانگر ۴ موردی باشد که در بالا به آن‌ها اشاره شد. تغییر سرپوش از حالت کلاه به روسری نشانه تغییرات اجتماعی و فرهنگی است که در عین حال، اصل ثابت پوشیده ماندن مو و سر را رعایت می‌کند.

دختران و زنان در رنگ پوشاک خود تفاوت دارند. دختران پیش از ازدواج پوشاکی با رنگ غالب قرمز داشته‌اند ولی بعد از ازدواج اغلب از پوشاکی به رنگ سفید استفاده می‌کنند.

رنگ‌شناسی در سال‌های اخیر تحت تأثیر «کاندینسکی»^۲ بسیار متحول شده و پیشرفت کرده است. نمادگرایی رنگ‌ها نیز تمام ارزش‌های گذشته و سنتی خود را باز یافته است. اولین

۱. نک به: شوالیه، ژان، گریبان، آلن، (۱۳۸۲).

2. Wassily Kandinsky.

خاصیت رنگ‌ها در فراگیری و جهان‌گستری آن است، نه تنها جهان‌گستری جغرافیایی، بل در تمام سطوح موجودیت و شناخت، از جمله کیهان‌شناسی، روان‌شناسی علم باطن و غیره. تفاسیر رنگ‌ها ممکن است تغییر کنند. مثلاً ممکن است سرخ معانی مختلف بر حسب موقعیت فرهنگی محل پیدا کند؛ مع‌هذا رنگ‌ها همواره و همه‌جا چون پشتیبان تفکر نمادین باقی می‌مانند. بعضی از رنگ‌ها نشانه‌ چهار عنصر هستند. به عنوان مثال در نقطه‌ای، سرخ و نارنجی نشانه آتش؛ سفید و زرد نشانه باد (هوا)؛ سبز نشانه آب؛ سیاه و قهوه‌ای نشانه زمین (چیزی که در نقاشی‌ها به وفور به آن برخورد می‌کنیم). رنگ‌ها در ضمن نشانه فضا و مکان هستند. در سنت اسلام، نمادگرایی رنگ بسیار غنی است؛ در کتاب فرهنگ نمادها آمده است: «در این جا هم باوری کاهنانه در مورد رنگ سیطره دارد. سفید، رنگ نور و درخشش است. فضیلتی جادویی به شیر نسبت داده می‌شود و بخشی از آن به خاطر رنگ سفید آن است. در فاس (مراکش)، در جشن نامزدی به عروس و داماد شیر تعارف می‌شود تا همواره بخت‌شان سپید باشد. برای مولانا نیز، سرخ و سبز نشانه رحمت الهی هستند و پیام امید و رجا را به روح می‌رسانند، حتی اگر روح در ظلمت باشد. سرخ از خورشید می‌آید و بهترین رنگ‌ها است»^۱

به نظر می‌آید رنگ سرخ و یا رنگ‌های گرم در پوشاک پیش از ازدواج لباس دختران، نمادی از احساسات، هیجان، اشتیاق هستند و رنگ‌های سرد مانند سفید، قدرت مسکن و آرامبخش دارند و نشانه افزایش حکمت، دانایی و تجربه می‌باشند، زیرا زنان مسن معمولاً پوشاکی به رنگ سفید یا یک روسری به همان رنگ بر تن می‌کنند. سرخ روشن نماد تیزی و تند، زیبایی، قدرت، مولد حرکت، بخشندگی، جوانی، سلامتی و ثروت است. در حالی که سفید رنگ گذر است، با همان مفهومی که از آیین‌های گذر سخن می‌رود، (مانند ازدواج و مرگ)، و دقیقاً رنگ مشخص این آیین است، (پوشاک عروس، کفن...) که از طریق این آیین‌ها، انسان استحاله می‌یابد، و بنابر الگوی قدیمی تمام آیین‌های عرفانی، همان مرگ و بازگشت به زندگی است. در این جا نیز شاید بتوان این استنباط را داشت که سفید پوشیدن زنان پس از ازدواج نشانه گذر آن‌ها است.

در مرحله گسست یا پیش‌گذار که لحظه تفکیک با وضعیت یا زندگی پیشین است، در میان فزاقان بعد از این‌که دختر برای پسر خواستگاری شد و شرایط مورد قبول واقع گردید، جشن عروسی که شش شب و روز به طول می‌انجامد انجام می‌پذیرد. در این دوران صندوق‌های حامل هدایا، پارچه‌های مخمل و ابریشم و انواع پوشاک میان خانواده عروس و داماد رد و بدل

۱. نک به: شوالیه، ژان، گبران، آلن، (۱۳۷۹).

می‌شود. رسم است که قبل از مراسم ازدواج، لباس عروس توسط خود وی آماده‌گردد. یکی از نشانه‌هایی که می‌تواند دال بر هنرمندی، سلیقه و زرنگی و کارآمدی دختر آماده‌ ازدواج باشد، نحوه تهیه این لباس است که هم مدت زمان زیادی وقت، صرف آن می‌شود و هم این‌که میزان پرکار بودن لباس به دلیل تزئیناتش، نشانه هنرمندی او می‌باشد و از این‌رو است که دختران در رقابتی سخت با یکدیگر سعی دارند که تزئینات بیشتر و ظریف‌تر در این لباس به کار ببرند. عروس قزاق در مراحل مختلف عروسی اش لباس‌های جداگانه‌ای می‌پوشد که هر کدام ارزش



دختر قزاق و پوشاک سنتی قزاقستان: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

نمادین دارند. یکی از هنرهایی که دختران در تزئین لباس عروسی به کار می‌برند، گل‌دوزی است. میزان سرعت کار و نقش‌هایی که زده می‌شود نشان از تبحر دختر در این امر دارد و خود نیز به مسابقه و رقابتی میان دختران، نه تنها در زمینه آماده کردن لباس عروسی، بلکه تهیه جهیزیه نیز بدل می‌شود که از این طریق برتری خود را به رخ کشند و حتی شاید ابداعات خود را تا رسیدن زمان موعود که هنر خود را به نمایش گذارند، از دید دیگران پنهان دارند. تا زمانی که دختر به عقد پسر درنیامده است، در هر جمعی خود را زیر «ایشیک»^۱ پنهان



پژوهش‌های مردم‌شناسی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی-پژوهشی
مركز علوم انسانی

ایشیک زن فزاق بلیش محله استان گلستان: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

1. isik

می‌کند. «ایشیک» کت بلند زنانه‌ای است که برای دختر تهیه می‌شود. آن را گیس سفیدان خانوادۀ داماد یا عروس تهیه می‌کنند. ایشیک به رنگ قرمز و از پارچهٔ مخمل تهیه می‌شود. برش آن ساده با آستین بلند و یقهٔ نیمه آرشال است. دورادور یقه و چاک جلوی ایشیک را با پوست مرغوب مانند پوست سمور یا خز آراسته و از روی شانه تا پایین پیش را براق‌دوزی می‌کنند. نوارهای براق را «زر»^۱ می‌گویند. کنار براق را با «باو»^۲ (منگوله‌هایی از منجوق رنگارنگ) تزئین می‌کنند. ایشیک را تودوزی و آسترکشی مرغوب می‌کنند. تهیه ایشیک بسیار دشوار است و از این رو نوعروسان آن را از مادران یا زن برادرهای خود به عاریه می‌گیرند (کریم‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۵۷ و حسین‌زاده ۱۳۷۳: ۹۸).

شاید بد نباشد بدانیم که در زبان ژاپنی اصطلاح «تسونوکاکوشی»^۳ وجود دارد که معنای تور سر عروس می‌دهد و از دو کلمهٔ کاکوشی به معنی «پنهان کردن» و «تسونو» به معنی «شاخ» ترکیب شده است. در ژاپن عقیده دارند که عروس مورد حسد واقع می‌شود، و بدین خاطر شاخی بر سرش می‌روید. تسونوکاکوشی یا تور سر عروس در ژاپن یک جور نوار سفیدرنگ است که بر سر عروس می‌بندند تا مانع رشد شاخ ناشی از حسادت شود. و به همین ترتیب، لباس عروس هم مفهومی آیینی برای زندگی عروس دارد (شوالیه و گریبان، ۱۳۷۹).

به این مورد باید توجه کرد که در هنگام گذار فرد در شرایط بحرانی قرار دارد و در معرض خطرات ناشی از نیروهای مافوق طبیعی قرار دارد، از این نظر بر سر داشتن «ایشیک» می‌تواند به گونه‌ای کارکرد تور را داشته باشد که عروس را از حملات این نیروها برحذر و از خطر چشم‌زخم مصون می‌دارد. کودکان خردسال، زنان زائو، نوعروسان جوان، اسب‌ها... به این چشمان حساس‌اند و نظر می‌خورند. شخصی که چشم می‌زند، به زبان عربی معیان نامیده می‌شود. وسایلی برای دفع چشم‌زخم وجود دارند که از جمله به رو بند، نمک، مهره‌های آبی و... می‌توان اشاره کرد. از این نظر ایشیک که تقریباً تمام بدن را می‌پوشاند و بر سر قرار می‌گیرد می‌تواند به عنوان سپر یا چتری در برابر چشم‌زخم، زن جوان را محافظت کند.

روزهای جشن عروسی که در نزد قزاق‌ها شش روز و در گذشته پانزده روز به طول می‌انجامید، عبارت هستند از:

۱. روز جشنی که در خانۀ داماد برگزار می‌شود و گوسفندی ذبح و از دوستان داماد دعوت می‌شود. نان قزاقی و غذایی به نام «باورساق»^۴ همراه با «قورداق»^۵ (دل و جگر گوسفند) پخته می‌شود.

1. Zer

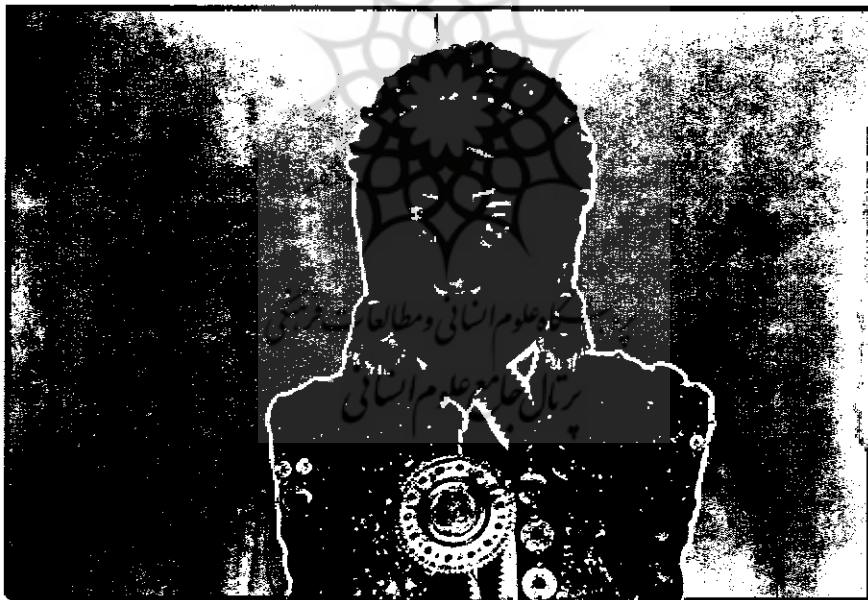
2. baw

3. Tsunokakushi

4. baversaq

5. qordaq

۲. جشنی که ناهار با گوشت گوسفند و پلو و خورشت یا «چکدرمه»^۱ تهیه می‌کنند که هدایای عروسی به «قودا»ها^۲ یا نمایندگان عروس و داماد تحویل داده می‌شود. در این روز زن برادرها یا زن‌عموهای داماد لباس او را به تنش می‌کنند و سپس دخترعموها و خواهرهای داماد حلقه‌ای از اسکناس را بر گردن او می‌اندازند (قبلاً پول را در جیب داماد می‌گذاشتند) (حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۳). در فرهنگ نمادها آمده است: پول‌های فلزی به‌خصوص در چین در خور توجه‌اند: پول خورد در چین مدور است و سوراخ مربعی در وسط دارد، این سکه پول، تصویر «سه متعال» است که در فضای واسط میان آسمان (دایره)، و زمین (مربع) قرار گرفته‌اند» (شوالیه و گریبان: ۱۳۷۹) اگر مورد اخیر را در نظر بگیریم و این نکته را به خاطر داشته باشیم که پول‌های قدیم (سکه‌ها و امروزه در اسکناس‌ها) مملو از نمادهای روحانی هستند، بنابراین از سوی نیرو یا نیروهای متعال، بر شخص دارنده آن نظارتی همراه با محافظت می‌تواند وجود داشته باشد.

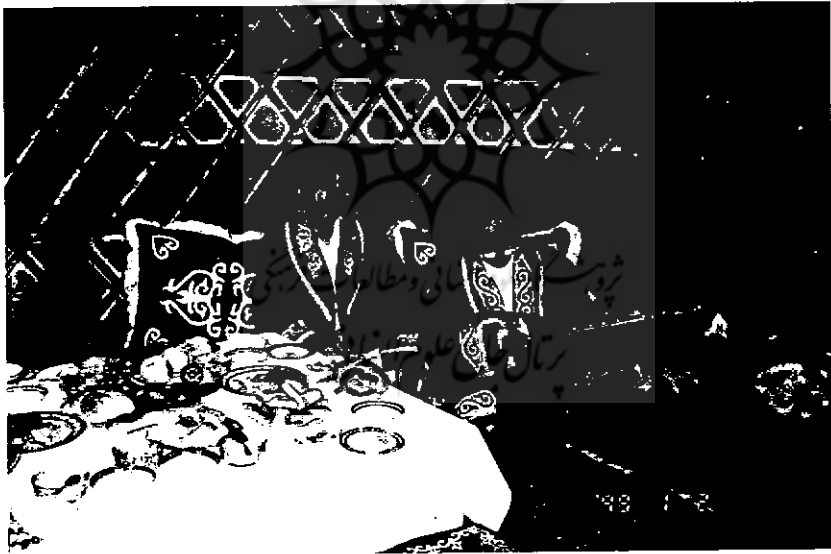


زن قزاق و سربوش و زیورهای او: آرشیو مرکز استاد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

1. cakdorma

2. qoda

این‌که در گذشته پول در جیب داماد قرار می‌گرفت، می‌تواند به این دلیل باشد که در گذشته پول به شکل سکه بود و امروزه به شکل اسکناس و برای همین به شکل یک حلقه برگردن داماد قرار می‌گیرند. به این ترتیب هم به دلیل این‌که مالی یا پولی برای رفع خطر به این شیوه کنار گذارده می‌شود، هم شاید به دلیل این‌که بروی اسکناس (یا پول با شکلی دیگر) عبارات یا سمبل‌های مذهبی وجود دارد، به نوعی از شخص محافظت می‌گردد. البته این پول به داماد تعلق می‌گیرد.



پوشاک مردان قزاق، عکس از نگارنده، استان گلستان، ۱۳۸۴

در این روز کت و شلوار داماد، کلاه شاپوی سفید و بارانی سفید است. در گذشته کلاه

مخصوص قزاقی و ردای قزاقی بر تن داماد می‌کردند. کلاه مردانه را «پاپاق»^۱ می‌گویند که در گذشته شکل آن مخروطی کوتاه بود که روی حلقه‌ای استوانه‌ای قرار می‌گرفت و دوخته می‌شد، آن را از مخمل تهیه و آستر می‌کردند. در هنگام مراسم، داماد «آق پاپاق» یا کلاه سفید بر سر می‌گذارد (کریم‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۶۶).

ردا، عبا، طیلسان، باشلق، لباده، دلق و دیگر جامه‌های گردی که به هم می‌آیند، به نوعی می‌توان در آن نمادگرایی معراجی و آسمانی را مشاهده کرد. در مواقعی که شخصی به مقام و منزلت بالاتری می‌رسد، بر دوش او عبایی یا ردایی قرار می‌گیرد که نشانه حکمت و علامت کسب اعتبار و مقام خاص است. از سوی دیگر در اساطیر آمده است که پوشیدن ردا یا عبا باعث می‌گردد بنا به خاصیتی جادویی شخص از دید دشمنان محفوظ داشته شود، چنانچه در اسطوره ایرلندی آمده است که «ردا (برت) یکی از مختصات شاهانه ایرلند بود. در حکایت توخمارک اتاین یا سروده‌های اتاین، به جبران اشتباهی که او در نزاعی مرتکب شده (از حدقه درآوردن چشم)، و با وجود شفای عاجل، خدای عالم آخرت، میدر، یک ارابه، یک ردا، و ازدواج با زیباترین دختر جوان ایرلند را درخواست کرد. این ردا بدون شک همان ردای مانانان است (که میدر نام دیگر او است) که ردای نامیری شده (مشابه تارنکاپه زیگفرید در سرود نیلونگن) و ردای فراموشی است. در حکایت سرگلیج کونکولایند، یا بیماری کوچولن، این خدا، بین زنش فاند (پرستو) و کوچولن پهلوان، که فاند معشوقه‌اش شده، ردای خود را تکان می‌دهد، تا این دو دیگر با هم ملاقات نکنند»^۲ اگر در مورد عروس می‌بینیم که خود را زیر ایشیک پنهان می‌شود، شاید داماد نیز با پوشیدن عبا یا ردا به نوعی از نیروهایی که نقشی مخرب دارند و به چشم نمی‌آیند، محفوظ می‌ماند. «ردا» یا «شاپان»^۳ داماد هم که پوشاک سنتی قزاق محسوب می‌شود، از جنس مخمل با نقوش گل و گیاه در قسمت جلو، سر آستین و پایین دامن ردا می‌باشد. سر آستین‌های آن گشاد و لباس فاقد یقه است. شالی بر روی کمر بسته می‌شود که به آن «بلیو»^۴ می‌گویند و نقوش آن را «میزلی نقش»^۵ می‌گویند. این کمر بند از چرم آهو است. امروزه به جای این لباس از کلاه شاپو و بارانی سفید استفاده می‌کنند (حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۳).

1. papaq

2. OGAC, 10, CELT, 15

همچنین در مورد کوچولین یا کوچولن به کتاب *دانشنامه اساطیر جهان* زیر نظر رکس وارنر، برگردان ابوالقاسم اسماعیل‌پور، نشر اسطوره، تهران، ۱۳۸۶، ص ۴۸۶ مراجعه کنید.

3. sapan

4. belbow

5. mizli-naqse

کمر علامت و نشانه قدرت، باروری و مقاومت در برابر سختی‌ها است. چنان‌چه می‌بینم متداول است که در بروز شداید و اتفاقات ناگوار جمله «کمرم شکست» در جایی به کار می‌رود که فرد نمی‌تواند دیگر در برابر سختی‌ها تاب مقاومت داشته باشد. «کمر کسی را شکستن»، کنایه از طاقت و توان کسی را از بین بردن است و کمر کسی شکستن، کنایه از طاقت و توان او از بین رفتن؛ قدرت تحمل او تمام شدن است (انوری، ۱۳۸۳). کمریند نیز یک نوع لباس است. کمریند وقتی به کمر بسته می‌شود اطمینان، آسایش، قدرت و نیرو می‌دهد. «کمر بستن»، مصمم و آماده شدن به انجام کاری، عزم کردن و «کمر به کاری بستن»، با تصمیم و آمادگی به آن پرداختن است. در معنی مخالف این، «کمر گشادن»، از کار بازماندن؛ ترک فعالیت کردن معنی می‌دهد. در عین حال وقتی به کمر کسی بسته می‌شود، نشانه تسلیم، وابستگی و محرومیت دلخواه یا تحمیل شده از آزادی است. اصطلاح «کمر بسته» کنایه از آمادگی برای خدمت‌گذاری؛ مطیع فرمان بودن است، همچنین «کمردار» و «کمریند»، خدمت‌گزار معنی می‌دهد (همان).

کمریندی که بر کمر بسته می‌شود، شخص را از حمله ارواح خبیث در امان نگاه می‌دارد و مانند حصار به دور شهرها آن‌ها را از شر دشمن حفظ می‌کند. در مراسم سرسپاری در هند، استاد وقتی کمر سرسپرده را می‌بندد، در هر دور، جملات زیر را ادا می‌کند: «کمریند مقدس خدایانوی محبوب، به خاطر قوه نفس‌هایش پر از نیرو است و پوستمان را پاک می‌کند و از طلسم و جادو حفاظتمان می‌کند.» (گرهیه سوتره اسوالایانه) در این نمونه، کمریند، به خودی خود باطنی است و نماد حمایت، پاک‌ی و نیرو است. در میان قزاقان، هم بر کمر عروس و هم بر کمر داماد شال بسته می‌شود که شاید نشانه‌ای از تمام موارد بالا باشد.

در روز دوم در خانه عروس «روز نان» برگزار می‌شود و عروس و دوستان‌اش در خانه عروس گرد هم جمع می‌شوند و داماد به خانه یکی از فامیل‌های درجه ۲ یا ۳ عروس دعوت می‌شود.

۳. در روز سوم جشن اصلی خانواده دختر آغاز می‌شود و از صبح زود همه دوستان دور هم و در خانه عروس جمع می‌شوند. در این روز عروس با دوستانش برای آخرین بار به گردش می‌رود و داماد هم با دوستانش می‌آید و این روز احتمالاً تجلی آخرین دیدار عروس با زادگاه‌اش است. بعد از گردش، داماد به خانه یکی از فامیل‌های عروس و عروس هم به خانه پدری‌اش برمی‌گردد. پس از ساعتی گروه دختران همراه عروس با دسته گل به دنبال داماد می‌روند و او را برای اولین بار به خانه پدر عروس می‌آورند و از او پذیرایی می‌کنند. بعد از این داماد به همراه دوستان و نمایندگان ازدواج به خانه‌ای می‌روند که محل اجرای مراسم عقد است. در این موقع

است که عروس و دوستانش هم در خانهٔ عروس دور هم جمع شده‌اند و «جرشی»^۱ (یا خواننده و نوازنده دوتار) مراسم «توی باستار»^۲ را اجرا می‌کند.

در این مراسم جرشی به اتافی که عروس و دوستانش نشسته‌اند وارد می‌شود و در حالی که عروس زیر ایشیک پنهان شده است این ترانه را برای او می‌خواند که: «دیگر هنگام رفتن از خانه پدری است و تو امشب همسر مرد دیگری از طایفه دیگری می‌شوی». در هنگام خواندن جرشی افراد فامیل عروس برگردن جرشی پارچه‌های ابریشمی رنگین می‌اندازند که دستمزد وی به‌شمار می‌آید (حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۸۷). بعد از این مراسم «قز قاشار»^۳ (یا فرار دادن دختر) که عروس را به محل عقد می‌برند انجام می‌گیرد. مراسم عقد با انتخاب گواهان از طرف داماد و عروس شروع می‌شود و دو وکیل انتخاب شده به جای دختر و داماد سخنان عاقد را در خصوص وفاداری و احساس مسئولیت نسبت به زندگی تکرار می‌کنند. این جلسه در حدود ۱۰ تا ۱۲ شب انجام می‌گیرد و پس از آن عروس و داماد زن و شوهر شده و نسبت به یکدیگر محرم می‌شوند. در این شب عروس به خانهٔ پدری برمی‌گردد و زن برادر عروس، داماد را برای مدت کوتاهی به اتافی که عروس در آن است می‌آورد و ملاقات کوچک و رد و بدل کردن هدایا بین این دو انجام می‌گیرد. در روز قز قاشار یا روز عروسی دختر، او لباس زیبایی می‌پوشد که شکل و طرح آن چندان مهم نیست و فقط این شرط وجود دارد که رنگ آن روشن باشد و وی در تمام لحظات که کسی غیر از دوستانش در اتاق حضور دارند خود را زیر ایشیک پنهان می‌کند.

۴. روز پذیرایی رسمی خانوادهٔ عروس از داماد که همچنین در طرف داماد روز نان برگزار می‌شود که برای روز بعد که روز آوردن عروس به خانه داماد است، آماده می‌شوند. به هر حال در روز پذیرایی رسمی عروس از داماد، او توسط باجناقش یا ساق‌دوش‌اش شیوهٔ احترام به بزرگ‌ترها را می‌آموزد.

۵. این روز جشن اصلی خانوادهٔ داماد و روز آوردن عروس به خانهٔ داماد است. این روزی است که مرحلهٔ گذر انجام می‌گیرد.

۶. روز ششم عروسی بعد از این مرحله است که در ادامهٔ مراسم بردن عروس به خانهٔ داماد انجام می‌گیرد (همان: ۸۳-۹۱).

1. jersi

2. toy-bastar

3. qez-qasar

مرحله‌گذار و نمادهای آن در پوشاک عروسی

گفتیم مرحله‌گذار مرحله‌ای است که فرد از حالت قبلی جدا شده اما هنوز به موقعیت جدید وارد نشده است. این لحظه، عروس و داماد از مرحله قبل از عقد عبور کرده‌اند ولی هنوز در زیر یک سقف زندگی نمی‌کنند و رسماً زندگی مشترک خود را آغاز نکرده‌اند.

در روز پنجم یا روز بردن عروس به خانه داماد، او با دسته‌گلی به همراه دوستانش در حالی که لباس مخصوص دامادی را به تن دارد به خانه دختر می‌رود که از او در آن‌جا پذیرایی می‌کنند و حتماً داماد باید کفش خود را به همراهش به داخل ببرد چرا که در غیر این صورت دختران فامیل در آن آب می‌ریزند که جلوه‌ای از مخالفت ایشان با بردن عروس است (همان: ۹۲).

در بررسی نمادها، پا، نماد قدرت و نماد ورود و خروج است و می‌تواند نشانگر مفهوم فرماندهی باشد. اصطلاحات «از پا افتادن»، «از پا انداختن» کنایه از بی‌توان و بی‌قدرت کردن و یا شدن است و «پادار» به معنی نیرومند و مقاوم است (انوری، ۱۳۸۳). وقتی می‌گویم «پای کسی به جایی رسید»، یعنی به آن منطقه یا موقعیت دست یافت. در مراسم ازدواج مسیحیان در کلیسا، عروس سعی می‌کند نفر اولی باشد که پایش را روی قالی صورتی می‌گذارد. این عمل عروس به معنی تسلط او بر داماد است. در مراسم ازدواج در ترکیه بعد از انعقاد عقد مابین عروس و داماد، هر کدام سعی دارد که زودتر از دیگری پای خود را بر پای دیگری بفشارد تا به این صورت برتری او در زندگی زناشویی آینده تضمین گردد (مشاهده نگارنده در ترکیه).

در این‌جا داماد وقتی پای به منزل عروس برای بردن او می‌گذارد یعنی قدم برای به‌دست آوردن او برداشته است. حال این‌جا دختران فامیل عروس، به نشانه مقاومت در برابر این خواست به شکل نمادین در کفش او آب می‌ریزند.

ژان شرویه در کتاب درهای سال می‌گوید: راه رفتن با کفش یعنی تملک زمین.^۱ به کمک این تعبیر دانشمندان جامعه‌شناس، نمونه‌هایی را که از یونان و شرق باستان، و همچنین از شمال آفریقا به وام گرفته‌اند مطرح می‌کنند. در عین حال در آوردن کفش نشانه اولین قدم به طرف ارتباطی خودمانی است. به عبارتی وقتی کسی کفش خود را در ورود به محلی درمی‌آورد نشانه احترام به مالکیت و همچنین سنت‌های آن خانه است. در سرزمین‌های اسلامی، غریبه باید بدون کفش از آستان منزل میزبان عبور کند، این عمل نشان‌دهنده آن است که این غریبه هیچ دعوی یا حقی بر ملک، و یا اجازه هیچ‌گونه بهره‌وری از آن را ندارد... زمین مسجد و حرم به

۱. همچنین نک به: شوالیه، ژان، ۱۳۸۵.

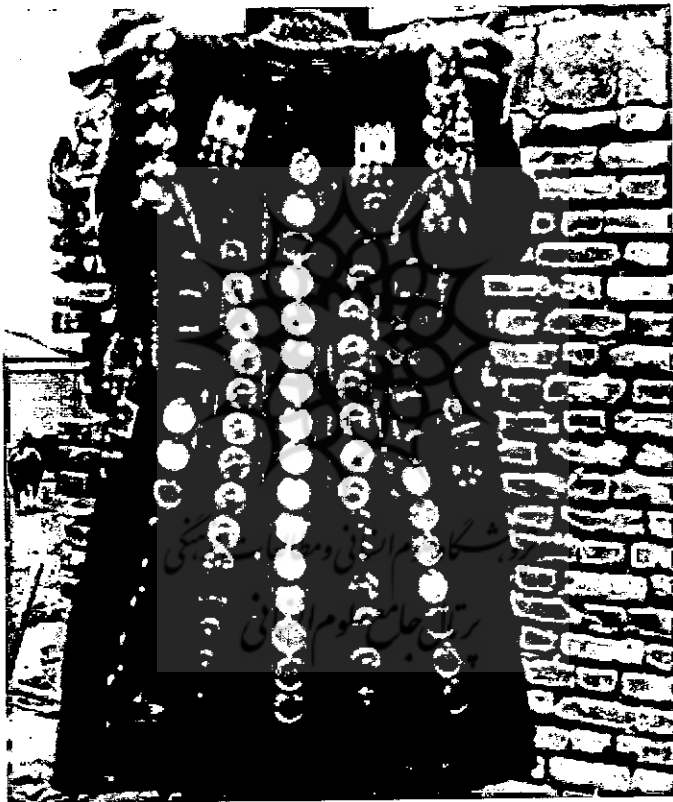
انسان‌ها تعلق ندارد، و برای راه رفتن در آن‌جا هم باید پا پرهفته شد. اما داماد کفش خود را به همراهش به داخل اتاقی که عروس در آن‌جاست می‌برد تا بدین صورت با مخالفت با بردن عروس مقابله کند و مالکیت خود را بتواند حفظ نماید. حال دیگر زمان رفتن فرا رسیده است. عروس از مردان فامیل خداحافظی می‌کند و به همراه جهازیه خود و زنان خانواده به راه می‌افتد. داماد نیز جداگانه همراه با دوستان‌اش و با ماشینی دیگر به سمت خانه‌اش به راه می‌افتد. در این روز که عروس را به خانه داماد می‌برند لباسی با رنگ روشن می‌پوشد که گاه آن را خودش گل‌دوزی می‌کند ولی رسم خاصی در این مورد وجود ندارد. بر روی این لباس جلیقه



جلیقه مخمل زن فزاق: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع

دستی

بلندی به نام «جاداقای»^۱ یا «ژاداقای»^۲ به رنگ مشکی می‌پوشد. ژاداقای کتی مشابه ایشیک و از جنس مخمل و از نظر جنس، تزئینات و دوخت به‌طور کامل مشابه آن است. ژاداقای جزء لباس‌های رسمی عروس به‌شمار می‌رود و نوعروس تا مدت‌ها بعد از عروسی در هر مهمانی و جشنی آن‌ها را بر تن می‌کند (کریم‌آبادی، ۱۳۷۵: ۹۸). جلیقه دیگری نیز به نام «بیش‌بیت»^۳ گاهی مورد استفاده قرار می‌گیرد که معمولاً از مخمل قرمز و اندازه آن تا روی زانو است. درون آن



جلیقه زن قزاق: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

1. jadaqay

2. zadaqay

3. bis-bit

آسترکشی و روی آن سوزن‌دوزی شده است. یقه بیش بیت معمولاً ایستاده و چاک جلوی آن بدون دکمه است. بیش بیت را با «ژازبا»^۱ (پولک‌های بزرگ طلایی) و یراق می‌آریند. هنگامی که بیش بیت را آستین‌دار تهیه می‌کنند، به آن «ژرگه بار بیش بیت»^۲ می‌گویند. البته «بیش بیت» و «ژرگه بار بیش بیت» را دختران نیز می‌پوشند.

«کوی نک»^۳ پیراهن زنانه‌ای است که زنان بر تن می‌کنند و در مورد عروس به رنگ روشن است. جنس آن از پارچه مخمل، تترون یا ابریشم است.

«شابوله کوی نک»^۴ نیز پیراهن بلند زنان قزاق است که وقتی آن را به رنگ سفید می‌دوزند به آن «آق کوی نک»^۵ می‌گویند که برای عروس سفید است و آن را معمولاً از پارچه ابریشم لطیفی تهیه می‌کنند. برش آن ساده و اندازه آن بلند تا میچ پا و طرح آن راسته است. «شابوله کوی نک» آستین‌های بلند ساده دارد که از زیر حلقه آستین تا زیر زانو برش خورده و در این جا در زاویه جلو و پهلوی پیش، اضافه‌ای دوخته می‌شود. پشت لباس را با همین الگو می‌دوزند. یقه «شابوله کوی نک» برگردان ساده و جلوی آن تا زوی سینه چاک دارد. نزدیک به پایین دامن آن را معمولاً نوار رنگین می‌دوزند. پایین دامن سوزن‌دوزی شده و نقش و نگارهایی نیز بر روی آستین دارد و مانند بوستانی از روی سینه تا انتهای لباس با نقش «کول» یا گل آراسته شده است. سوزن‌دوزی از هنرهای متداول زنان منطقه آسیای مرکزی است که در این زمینه از تبحر و سلیقه خاصی برخوردارند. این هنر نه تنها در جامه زنان بلکه در لباس‌های مردان و کودکان به وفور اجرا می‌شود. طرح‌های استفاده شده در جامه، انواع گیاهان با نقش‌های رنگین را به نمایش می‌گذارد.

از بخش‌های دیگر لباس عروس «دمبال»^۶ یا شلوار است که معمولاً آن را از پارچه کتان یا پشم با برش ساده تهیه می‌کردند. به کمر آن بند می‌انداختند و لبه پاچه شلوار را سوزن‌دوزی با طرح‌های هندسی می‌کردند. پاچه‌های شلوار کمی گشاد است (همان: ۱۵۶). معمولاً قسمت بالای شلوار چون در معرض دید نیست ساده است ولی بخش پاچه و قسمت‌هایی که دیده می‌شوند، طرح‌های زیبایی انداخته می‌شود که بر زیبایی شلوار می‌افزاید.

در گذشته داماد علاوه بر «آق پاپاق» (کلاه سفید) و شاپان، پیراهن سفیدی از پارچه کتان با بلندی تا نزدیک زانو می‌پوشید که دارای یقه ایستاده، جلو دکمه، آستین‌های بلند ساده و گاه

1. zazba

3. Koy nak

5. aq-koynak

2. zerge bar-bis bit

4. sabole-koynak

6. dambal

میج‌دار بود. نوع بلند آن را «پرکک کوی نک» و نوع کوتاه آن را «قسه کوی نک»^۱ می‌گفتند. در گذشته دامادکت بلندی به نام «بیش بیت» می‌پوشید که از پارچه پشمی تهیه می‌شد و گاه یقه آن را به شکل یقه نیمه آرشال برش داده و به آن پوست مرغوبی می‌دوختند که همراه با شلوار به آن «بیش بیت شلوار»^۲ می‌گفتند.



زن قزاقی که تاج قزاقی بر سر دارد: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

1. qesa-koynak

2. bisbit-salvar

در روز بردن عروس، وقتی که او به همراه نزدیکان‌اش به خانه داماد می‌رسد، در گوشه‌ای می‌نشیند و در این موقع هنوز زیر ایشیک پنهان است و علاوه بر آن پارچه بزرگی به نام «بورگن شک»^۱ را بر سر عروس می‌افکنند که به رنگ سفید و حاشیه‌دوزی شده است و سرو چهره عروس را با آن می‌پوشانند. وقتی عروس می‌رسد و در گوشه‌ای می‌نشیند باید مثل تمام زنان متأهل دیگر روسری و تاج فزاقی بر سر بگذارد. در این موقع دو زن برادر عروس پارچه بسیار بزرگی را به صورت نوار درآورده و آماده می‌کنند. در این موقع «بورگن شک» را برداشته و قصد می‌کنند که روسری سفید را بر سر عروس ببندند و به این ترتیب دیگر متأهل شدن او محرز می‌گردد. در این میان خواهر عروس به نشانه مخالفت روسری را می‌قاپد و مانع بستن آن می‌شود.

کشاکش آغاز می‌شود، عاقبت روسری سفید را به سبک فزاقی بر سر عروس می‌بندد. روسری سفید که به سبک خاص می‌بندند، «ژاولق»^۲ یا تاج سفید رنگ عروس می‌نامند. محققین مردم‌شناس با دقت و شرح جزئیات شیوه تهیه آن را شرح داده‌اند. «برای تهیه» روسری بزرگی به ابعاد حدود ۱/۵ در ۱/۵ متر را فراهم می‌آورند آن را دو لایه کرده و به شکل سه گوش درمی‌آورند. مقوای پهنی به شکل مستطیل برش داده و نزدیک قاعده روسری سه گوش قرار می‌دهند. روسری را در حالی که لایه مقوایی در میان آن است، دو تا سه بار تا می‌زنند و آن را به شکل استوانه‌ای روی سر عروس قرار می‌دهند، در حالی که دستک‌های روسری پشت‌گیره می‌خورد، با گوشه‌های زاویه روسری که داخل پیشانی کلاه است، دو شاخک کوتاه جلوی آن قرار می‌دهند. با نخ ابریشمی قرمز سایه روشن، روی گوشه‌ها و میانه روسری را سوزن‌دوزی می‌کنند. سوزن‌دوزی معمولاً با طرح «المه»^۳ (نام طرح) است و از این رو تاج عروس را «المه ژاولق»^۴ می‌نامیدند. امروزه «المه ژاولق» کلاه رایج عروس و آشکارترین نماد پوشاک فزاق است ولی در دهه‌های اخیر این تاج جای خود را به روسری‌های سفید و ساده که در پشت سر گیره می‌خورد داده است.» (کریم‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۶۰ و حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۹۷).

نمادگرایی تاج سه موضوع را بیان می‌دارد: ۱. تاج به نوعی نمادی از ارتفاع است و در این جا نه تنها بیانگر ارزش سر است بلکه بر تارک جسم انسان می‌نشیند در نتیجه مانند موهبتی است که ارتباط با عالم بالا دارد. ۲. تاج دارای مقطع دایره است. دایره نشانه تکمیل، کمال و نشانه شراکت با عالم مافوق و طبیعت آسمانی است، زیرا جسم خاکی را با آن چه مافوق اوست وصل می‌کند. ۳. تاج به مثابه پاداشی برای یک موفقیت است. اگر مراسم ازدواج را مراسم گذار محسوب

1. borgansek

2. zavloq

3. alema

4. alema-zavloq



زن متأهل قزاقی که روسری سفید بر سر دارد: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

می‌کنیم، در موفقیت پس از امتحان باید پاداشی نهفته باشد و تاج نشانه آن است. تاج نماد شرافت، قدرت، صدقات و نیل به مرتبه‌ای از نیروهای برتر است. واژه فرانسوی Couronne به معنی «تاج» بسیار نزدیک به واژه Corne به معنی «شاخ» است، که هردو بیانگر مفاهیمی برابرند، از جمله برتری جویی، قدرت و اشراق. هردو، هم تاج و هم شاخ بالای سر قرار می‌گیرند و نشانه قدرت و نور هستند (شوالیه، ۱۳۷۹).

بعد از گذاشتن تاج یا کلاه قزاقی بر سر عروس، پارچه سفید را که به شکل نوار درآورده‌اند و

«بوراما»^۱ نامیده می‌شود عمامه‌وار بر سر عروس می‌بندند. این پارچه نشانهٔ مسئولیت سنگین عروس در خانهٔ شوهر است. جنس این پارچه از ساتن ابریشمی با طول زیاد و با وزن بیش از دو کیلو است که دنبالهٔ آن نیز دور گردن و روی شانه او است. پس از بستن «بوراما» شال قرمز بلندی را بر کمر عروس می‌بندند که آن نیز نشانهٔ کمر به خدمت بودن در خانوادهٔ شوهر است. بعد از آن ایشیک و پارچهٔ سفید را بر سر عروس می‌اندازند و خواهرها و زن‌برادرهایش، از او خداحافظی می‌کنند و عروس به طرف خانه داماد حرکت می‌کند (حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۹۴).

عمامه نیز مانند تاج نماد تعالی و قدرت در سه حیظه است. در حدیثی آمده است که عمامه تاج اعراب است. در قصص الانبیاء نقل شده است که حضرت آدم عمامه به سر داشت، زیرا وقتی از بهشت رانده شد، جبرئیل بر سر او عمامه‌ای بست تا یادگاری از افتخار گمشده‌اش باشد، از آن پس حضرت آدم عمامه را چون تاجی بر سر می‌بست. اسکندر ذوالقرنین عمامه می‌بست تا دو شاخ خود را پنهان کند (شوالیه، ۱۳۸۵). در هر حال سرپیچی که به این صورت بر سر بسته می‌شد در عین این‌که حجم زیادی بر سر می‌بخشید، شاید علاوه بر ابهت بخشی به عروس، جنبه محافظت از خطرات موجودات و نیروهای نامریی را نیز ایفا می‌کرد. شال هم که بر کمر عروس گره می‌خورد، می‌تواند علاوه بر مواردی که در شال بستن داماد ذکر آن رفت و در مورد عروس نیز صدق کند، مفاهیم گره مغایر یکدیگرند. در یک معنی گره زدن می‌تواند موجب تثبیت وضعیتی معلوم باشد. «گره بستن»، کنایه از محکم و استوار کردن؛ «گره زدن»، کنایه از ارتباط دادن، مرتبط کردن است (انوری، ۱۳۸۳).

در آسیای میانه گره‌ها نقش مهمی در عشق و ازدواج دارند:

چه کسی پیش می‌بیند آینده‌ام را

چه کسی فردا باز خواهد گرد

گره‌های چادرشبی را

که تو بر سینه‌ام بسته‌ای (یک تصنیف گولی)

و همچنین در آسیای میانه لباس عروس دارای کمربندی بافته با گره‌هایی برای حفاظت از چشم‌بد است. در سنت اسلامی، گره نماد حمایت است. اعراب، ریش‌های خود را برای رفع چشم‌بد گره می‌زنند (شوالیه، ۱۳۸۵).

مرحلهٔ «گذار» یا مرحله «حاشیه» به این قسمت میانی که پر از خطرات است ارتباط می‌یابد. از این‌رو هنگامی که عروس با جهیزیه‌اش به خانهٔ داماد وارد می‌شود، همراه صندوق‌چه‌ها،

1. borama

ریسمانی سیاه و سپید به نام «آله جیب»^۱ فرستاده می‌شود که آن را گیس سفیدان خانواده بافته‌اند و عروس و داماد را از چشم زخم محفوظ می‌دارد. «آله جیب» را مانند بند رخت از یک سو به سوی دیگر می‌بندند و روی آن پوشاک عروس و داماد را که برای یکدیگر فرستاده‌اند، می‌آویزند و نمایش می‌دهند (حسین‌زاده، ۱۳۷۳). در میان یونانیان و رومیان، تزئیناتی به شکل گیس، پراق تاییده، ماریچ، رشته‌های در هم بافته، صفحه مدور و غیره جزء طلسم‌های حفاظت‌کننده هستند. در ژاپن ریسمان مقدس شیتوها، موسوم به «شیمه ناوا» (ریسمانی از شالی برنج: شیمه = بسته؛ ناوا = ریسمان) در اصل موسوم به «شیریکومه ناوا» بود و نام فعلی آن مختصر نام اصلی است به معنی ریسمانی بافته شده از شالی برنج است و به ترتیبی درست شده که ریشه‌های شالی در انتهای طناب دیده می‌شوند. شیمه ناوا در محلی مقدس قرار می‌گیرد تا جلوی اثرات شوم ارواح خبیث را سد کند؛ همچنین از وقوع حوادث شوم و رسیدن خبرهای ناگوار، بدبختی و نکبت در این محل جلوگیری کند (شوالیه، ۱۳۸۵).

مرحله پیوند دوباره یا پساگذار

این مرحله را که لحظه تجمع نیز می‌گویند، لحظه‌ای است که در آن فرد به موقعیت یا وضعیت ثانوی خود وارد شده و در آن پذیرفته شده است و با پایگاهی جدید دوباره در اجتماع جای می‌گیرد. در این مرحله افراد از سوی آموزگاران خویش نسبت به قواعد و مقررات پایگاه یا جایگاه جدیدی که یافته‌اند آگاهی می‌یابند و رازآموزی نشانه‌تغییری به یادماندنی در زندگی فرد است و مستلزم وفاداری او به قواعد جامعه‌ای است که رازآموزان وارد آن می‌شوند.

در این مرحله از مراحل گذار «در میان قزاقان وقتی عروس به طرف خانه داماد حرکت می‌کند، هنوز چند قدمی جلو نرفته که خواهرشوهرها و جاری‌های او به استقبال او می‌آیند. یکی از جاری‌ها جلو می‌رود و شال قرمز را از کمر او باز کرده و بر کمر خود می‌بندد، به نشانه این‌که در کارهای خانه به او کمک خواهد کرد و جاری دیگر پرده «شمل دق»^۲ (یا پرده حجله) را که از جنس مخمل است از جهازیه عروس باز کرده و به کمک یکی دیگر آن را در برابر عروس گرفته و همه به راه می‌افتند.

جلوی در عروس و جاری‌هایش می‌ایستند و فردی که مراسم «بتاشار»^۳ را اجرا می‌کند در برابر آن‌ها با فاصله کمی می‌نشیند و با اشعار ثابت و طولانی، مضامینی را به عروس متذکر می‌شود که: این جا خانه شوهر است، دوران راحتی و بی‌خیالی تو تمام شده است، اما این جا هم

1. ale-jib
3. betasar

2. semel-dağ

می توانی خوشبخت باشی. به شوهر و فرزندانیت بیندیش و از اوامر مادرشوهر و پدرشوهرت اطاعت کن. صبح‌ها زودتر از دیگران برخیز و کارهای خانه را انجام بده و... در ادامه خصوصیات بزرگان خانواده را برمی‌شمارد و هر بار با چوبی که پارچه‌ای را به آن وصل کرده‌اند و یک سر دیگر آن به پارچه روی سر عروس وصل است، آن را کمی می‌کشد و به او می‌فهماند که باید در برابر این افراد تعظیم کند و دو جاری که در دو طرف‌اش هستند همراه با حرکت چوب در حالی که بازوهای عروس را گرفته‌اند، شیوه تعظیم کردن را به او می‌آموزند. مراسم بتاشار در واقع آموزشی است از رفتار مناسب در خانه شوهر و معرفی هنجارهایی که در این خانواده مطلوب و موردپسند است. پس از مراسم عروسی «بوراما» و پارچه سفید را از سرش برمی‌دارد و ایشیک را بر شانه‌اش می‌اندازد اما هنوز جلوی صورت‌اش را با دستمال سفید گل‌دوزی شده‌ای می‌پوشاند (حسین‌زاده، ۱۳۷۳: ۹۵).

«المه ژاولق» یا تاج قزاقی (کلاه قزاقی) عروس سه روز تا یک هفته روی سر عروس خواهد بود و پس از دریافت وجه نقدی به عنوان رونما آن را برداشته و به جای آن ژاولق به رنگ سفید (و امروزه روسری سفید) بر سر می‌گذارد (کریم‌آبادی، ۱۳۷۵: ۱۶۰).
در این‌جا دیگر عروس به عنوان عضو جدید در خانواده داماد پذیرفته شده و با پایگاهی جدید دوباره در اجتماع جای می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

لباس به عنوان یک نماد بیرونی می‌تواند نشانی از یک فعالیت معنوی و علامت یا علایم ساده از یک واقعیت پیچیده باشد. به عنوان مثال لباس می‌تواند عبور یک فرد را از یک مرحله به مرحله دیگر را نشان دهد. با نمادهایی به ظاهر ساده برتاباننده مراحل آیینی در زندگی باشد و ورود به جامعه دیگر با وظایف و خصوصیات جدید را بنمایاند.
در دنیای مسیحیت لباس کشیشان و صومعه‌نشینان ممکن است به قصد پوشاندن وجه فردی جسم بوده باشد اما از سویی دیگر گرفتن لباس در کلیسای شرقی قدیم، مانند اغلب فرق مذهبی، تعمید دوم به حساب آمده و اثرات آن بیرونی بوده است. جامعه رهبان بودایی یادآور گسستن از جهان است و مقام زعمای ذن با انتقال پیراهن یا کاسیه انجام می‌گیرد. مرشد صوفی، خرقه خود را به کسی که در جمع قبول کرده، می‌بخشد (شوالیه ۱۳۷۹).
تغییر لباس در دوره‌های مختلف و طی مراسم خاص نشانه از تن‌کندن آدم قدیم و در بر کردن مرد جدید است. تغییر سرپوش‌ها و آرایش مو و صورت یا اعضای دیگر بدن از جمله مهم‌ترین تغییرات و کلیدهای نمادین است. کلاه می‌تواند نشانه قدرت و اقتدار و همچنین اندیشه باشد

بنابراین تغییر کلاه یا سرپوش می‌تواند معنای تغییر دیدگاه و عقیده یا جایگاه را افاده نماید. در پوشاک عروسی قزاقان که مملو از نمادها است ملاحظه می‌کنیم که تا پیش از ازدواج سرپوش دختران و پسران شامل عرق‌چین کوچکی است که تنها قسمتی از سر را می‌پوشاند البته روی آن سوزن‌دوزی‌های فراوانی انجام می‌گیرد که این هنر در میان اقوام آسیای مرکزی از جمله قزاق‌ها به فراوانی و با مهارت تمام صورت می‌پذیرد. در تمام مدتی که دختر پس از خواستگاری برای پسری نامزد شده است ولی هنوز به عقد پسر درنیامده است خود را از دیدگان غیرفامیل و دوستان پنهان می‌کند و سر و صورت و قسمت اعظم بدن خود را زیر ایشیک پنهان می‌سازد.



آرایش و زیورآلات زن قزاق: آرشیو مرکز اسناد و مدارک سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و

صنایع دستی

این مسئله برای پسر هم صدق می‌کند و تا پیش از ازدواج خود را از دیدگان بزرگان و اقوام دختر پنهان می‌سازد که این خود نشانه شرم و حیا از طرف نامزدها و همچنین نشانه نارضایتی دختر از جدا شدن از خانواده‌اش و همچنین مواردی است که در مقاله به آن اشاره رفته است.

در مرحله ازدواج سرپوش عروس و داماد از نظر حجم و اندازه و رنگ متفاوت می‌شود. در مورد دختر در زمان بعد از عقد او صاحب کلاهی می‌شود که به آن تاج قزاقی می‌گویند.

در اسطوره‌ها سر همواره در نقش عضوی است که بر بدن فرمان می‌راند و به همراه قلب جایگاه قوه حیات، جان و نیروی بدن است. سر مظهر خرد و تفکر و کنترل و حکمرانی است. و از این رو است که در بسیاری از موارد در مراسمی می‌بینیم که در موقع تشریف و یا نایل آمدن به مقام و موقعیت جدید بر سر فرد تاج می‌گذارند. از سوی دیگر تاج پاداشی است پس از یک امتحان و نیل به مرتبه بالاتر است. تاج سفید عروس در میان قزاقان به نشانه روشنایی و نیک سرشتی باید تا انتهای زندگی مشترک بر سر زن متاهل بماند البته امروزه جای خود را به روسری سفید داده است. به هر حال در بسیاری جای‌ها زنی که ازدواج می‌کند سر خود را می‌پوشاند.

بوراما یا سرپوشی که بر سر عروس عمامه وار می‌بندند نیز نشانه مسئولیت جدیدی است که دختر در زندگی به عهده می‌گیرد و به علت طول زیادی که دارد سر را بسیار بزرگ و حجیم می‌نمایاند.

یکی دیگر از نشانه‌های ازدواج بستن شالی قرمز بر کمر زن است البته مردان نیز بعد از ازدواج از شالی که به دور کمر بسته می‌شود استفاده می‌کنند. شال کمر هم نشانه کمر به خدمت بودن هم در بسیاری مناسک نشانه استادکاری، تکامل، فضیلت، قدرت، انحصار قدرت یا مقام است.^۱ هم عروس و هم داماد یکی اجزای پوشاک‌شان ردا یا نوعی پالتو است که در نزد مردان به شاپان و در نزد عروس ایشیک نامیده می‌شود. ردا در معنای نمادین خود دوخته است هم نماد عزت و مقام است و هم اختفاء و انصراف و ابهام. در مورد عروس دیدیم که تا به عقد داماد درنیامده است در زیر این لباس خود را از دید دیگران پنهان می‌دارد که به نوعی نماینده نارضایتی عروس از جدایی از خانواده خود است. ولی بعد از عقد و در هنگامی که به خانه داماد پا می‌نهد ایشیک را بر دوش خود می‌اندازد که می‌تواند نمادی از عزت و مقام او باشد. از طرفی حال دیگر مرحله آخر گذار انجام گرفته است و تأثیرات شوم نیروهای نامریی بسیار کم‌رنگ شده است.

در مجموع به روشنی می‌توان دید که لباس قزاقان از نظر نمادگرایی بسیار غنی است.

۱. نک به: کوپر، جی. سی. ۱۳۷۹، فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ملیحه کرباسیان، نشر فرشاد، تهران، ذیل واژه کمر بند.

تعویض آیینی جامه، نشانه عبور از جهانی به جهان دیگر است و تغییر و تحول ژرفی است که در مراحل گوناگون گذار روی می‌دهد.

در این مقاله از نقاط مختلف جهان مثال‌هایی آورده شده است که نمادهای گوناگون را به تصویر کشیده است. قصد نگارنده ذهنیت بخشیدن به این نبوده که در میان قزاقان ایران این مثال‌ها به‌طور حتم صدق می‌نماید، بلکه با آوردن آن‌ها عزم آن را داشتیم که شاید به این‌گونه، نوری بر ابهامات موجود تابیده شود. مسلم است که تحقیقات بیشتر، چراغ راه خواهند گردید.

منابع

- انوری. حسن، ۱۳۸۳. فرهنگ کتایات، انتشارات سخن، جلد اول و دوم، تهران.
- برومبرزه. کریستین، ۱۳۸۶. «مو، فرهنگ، اجتماع»، با همکاری آریتا همپارتیان، نامه انسان‌شناسی، ضمیمه شماره ۱.
- پانوف. میشل، ۱۳۶۸. فرهنگ مردم‌شناسی، تهران: نشر ویس.
- _____ ۱۳۷۶. «ریشه‌یابی قومیت قزاق‌ها»، فصل‌نامه مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال ششم دوره سوم، شماره ۱۹.
- حسینی. حمیدرضا، ۱۳۸۱. مردم‌نگاری شهرستان ترکمن، ج ۱، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی.
- حسین‌زاده. فهیمه، ۱۳۷۳. مردم‌شناسی قزاقان ایران، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی
- ریویر. کلود، ۱۳۷۹. درآمدی به انسان‌شناسی، ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- شوالیه. ژان و گریبان، آلن، ۱۳۷۹. فرهنگ نمادها، جلد‌های ۲، ۳ و ۴، سودابه فضایی، تهران: انتشارات جیحون.
- فروزان‌فر. فرزاد، ۱۳۶۲. «قزاق‌ها»، مجموعه مقالات مردم‌شناسی، دفتر دوم، انتشارات مرکز مردم‌شناسی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- فکوهی. ناصر، ۱۳۸۲. تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان‌شناسی، تهران: نشر نی.
- کریم‌آبادی. زهرا، ۱۳۷۵. پوشاک مازندران، سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، آرشیو پژوهشکده مردم‌شناسی.
- کوپر. جی. سی، ۱۳۷۹. فرهنگ مصور نمادهای سنتی، ملیحه کرباسیان، تهران: نشر فرشاد.
- گرهیه سوتره اسوالایانه، ۱:۱۹ منقول در VED V, 303-4.
- تدیمی. کمال‌الدین، {بی‌تا}، پژوهشی در تبارشناسی قوم قزاق، {بی‌جا}.
- وارنر. رکس، دانشنامه اساطیر جهان، برگردان ابوالقاسم اسماعیل‌پور، نشر اسطوره، تهران: ۱۳۸۶.